

### متن پرسش

سلام خدمت استاد بنده جوانی هستم که خدا توفیق داد و نشستم حسابی نزدیک به سه سال تفکر کردم و راه خودم رو تو زندگی مشخص کردم و به قول طاووس عارفان حساب کردم از کجا آمده ام و آمدنم بهر چه بود و تصمیم قاطع گرفتم زندگی نویی داشته باشم اما مشکل اینجاست که هر چند وقت یک بار شیطان میاد و منو به یاد عهد قبلیم میندازه و میگه تو که معصوم نیستی دائم بخوای پاک بمونی بالاخره انسان گاهی هم گناه میکنه و خدا هم که توبه پذیره و بعد از چل پنجاه روز خوب بودن منو میندازه با این حرف دوباره تو گناهای عهد قبلیم حالا شما بفرمایید اگه اومد و این حرفو زد من با چه تفکری مقابل این حرف به ظاهر منطقی شیطان بایستم اینکه میگه تو معصوم نیستی و هر چند وقت یک بار طوری نیست گناهی هم داشته باشی رو چطور برا خودم حل کنم

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تأکید صبر در قرآن را فراموش نکنید زیرا صبر بر عهده‌ای که کرده‌اید موجب می‌شود تا راه‌های ناگشوده از عالم غیب برایتان گشوده شود. شما باید در مقابل آن وسوسه‌ها خود را متوجه کنید که تنها با صبر بر عبادت و دوری از معصیت است که افراد به جایی رسیدند و چشم دلشان گشوده شد. به گفته‌ی مولوی: «پرده‌های دیده را داروی صبر .... هم بسوزد هم بسازد شرح صدر» یعنی انتظار و پایداری و صبر در دینداری، هم حجاب‌ها را برطرف می‌کند و هم با به وجود آوردن شرح صدر، آمادگی برای گرفتن کمال بیشتر فراهم می‌نماید، آری پایداری در دینداری، آثار و برکات بسیار بزرگی دارد. موفق باشید